



## ادبیات

نگارش جناب سید مبشر خان طرازی :

## ادب و انشاء

( ۵ )

### فنون انشاء

چون انشاء بسبب اختلافات مقامات و کثرت موضوعات دارای شیون مختلفه میباشد ، لذا فنون متعددی دارد فنون انشاء نظریه تنبیح و استقراء مشاهیر ادباء و موثیق نویسندگان به هفت قسم ذیل منقسم است .

- ( ۱ ) فن مکاتبات ، ( ۲ ) فن مناظرات ، ( ۳ ) فن امثال ، ( ۴ ) فن اوصاف ، ( ۵ ) فن مقامات ، ( ۶ ) فن روایات ، ( ۷ ) فن کلامی و مطالعات فریبگی
- ما در صفحات آتی هر کدام فنون مذکور را تا حدی تفصیل و بیان مینمایم ، ( و بالله التوفیق ) .

### قسم اول از فنون انشاء فن مکاتبات

مکاتبات جمع مکاتبه است ، مکاتبه ( که به مرادله نیز معروف است ) عبارت است از مخاطبه غائبی - بزبان قلم ، فوائد آن وسیعتر و بسیار ترست از اینکه به احاطه عددی در آورده شود ، بسبب آنکه مکاتبه ترجمان دل است در اظهار ما فی الضمیر ، و نشر معلومات مهمه ، و نایب غائب است در روا کردن حاجات ، و وسیله دوستی و وداد است با تبعاعد امکانه و بلاد .

طریقه مکاتبه عین طریقه مخاطبه ست ، با مراعات احوال کاتب و مکتوب الیه ، و رعایت نسبت بین بین .

### خواص مکاتبات

خواص مکاتبات به پنج اقسام ذیل اقسام دارد .

#### ۱ ( سذاجته )

و آن عبارت ست از فطرت و سلامت سخن از شوائب تکلف ، و نزاهت آن از زخرف قول ، و براءت آن از تجاوز حد مقصود .

#### ۲ ( جلاء )

و آن عبارت ست از خلو انشاء از سخن مغلق ، و تشبیهات بعیده ، و ترکیبات بالتباس ، و بودن آن مهذب و صریح در افاده غرض و تفهیم مقصود .

#### ۳ ( ایجاز )

و آن عبارت ست از تنقیح تالیف و انشاء از حشو ( زیاده بی فائده ) کلام ، و تطویل جمله ها ، بچینی که بر معانی مقصوده خود وافی بوده ، بر محسنات قرینه المنال اقتصار داشته باشد .

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### ۴ ( ملایمت ) ( مرادف مناسبت ) اوم انسانی

و آن عبارت ست از انشاء و اصدار الفاظ و معانی برونق مقدار و مقام کاتب ( نویسنده ) و مکتوب الیه بچینی که شخص رفیع ( بلند ) را به سخن و ضیع ( پست ) و شخص وضع را به سخن رفیع خطاب و تعبیر نکند ، علاوه بر اینکه انشا و تعبیرات خود را به اوضاع شیرین ، و حسن ارتباط موصوف بسازد .

#### ۵ ( طلاوت )

و آن عبارت ست از پوشانیدن کلام رونق و اشراقی را ، بذریعه جودت تعبیر و سلامت معانی ، و سلاست الفاظ ، بچینی که بهترین موقعی را در نظر سامع و مطلع احراز بنماید .

## ( انقسام مکاتبات به سه اقسام )

و باید دانست که مکاتبات به تبع و استغراء اهل ادب و انشا ( به اعتبار موضوع ) به قسم منقسم میگردد ، ( ۱ ) مکاتبات اهلیه ، ( ۲ ) مکاتبات متداوله ، ( ۳ ) مکاتبات علمیه .

## ( قسم اول مکاتبات اهلیه )

و او را مکاتبات اشواق نیز مینامند ، عبارتست از مکاتبات ورسائلی که در بین اقارب و اصداق دائر بوده ، از مکتون و داد و سر اثر فواد ابراز مینماید ، و درین قسم نویسنده حق دارد که کلام خود را در باب احوال شخص خود بسط داده مضامین سوال را در موضوع احوال مخاطبین ( مکتوب الیه ) در ضمن عبارات اشارت اخفا کند .

امتیاز این قسم از سایر اقسام مکاتبات همانست که نویسنده عنوان قلم رارها داده و به شعار آزادی راه پیموده ، از شوائب کلفت و انقباض احتفاظ و خود داری میباید .

در امثال سائره عرب آمده است که « الانس یذهب المهابه » و الانقباض بضیع الودعه یعنی انسی که در بین اقارب و اصداق میباشد هیبت راز ابل میسازد ، و انقباض ( گرفته گئی ) مودت و دوستی را ضایع میگرداند ، در مثل دیگر آمده که « اذا احصت الالفه ، سقطت الکافه » یعنی چون درین اصداق الفت حاصل شد ، کلفت ساقط میگردد .

پس ابراز تکلف و انقباض برای مکاتبات اهلیه که فوراً در بین اقارب و اصداق دائر میگردد مناسبی ندارد بلی همین قدر توجه و اعتنا مناسب میشود که نویسنده مقتضای حال و موجب مقام را مراعات نموده به زیره کی تمام به مکاتبه خود حسن اختتام بخشد .

و باید دانست که مکاتبات اشواق ، مکاتبات تعارف قبل اللقاء ، مکاتبات استعطاف ، مکاتبات

اعتذار ، و غیرها ، نیز به همین قسم ( مکاتبات اهلیه ) راجع میشود .

## ( قسم دوم ، مکاتبات متداوله )

مکاتبات متداوله ببحث اغراض مطلوبه خود به سه نوع انقسام مییابد ،

( ۱ ) مکاتبات طلب ، شکر ، اعتذار ، تجارت ،

( ۲ ) مکاتبات نصیح ، ملامت ، شکایت ، عبادت ، تهنیت ، تعزیت ، اجوبه ،



۳) مکاتبات و صایات ، و شفاعات ، ( وساطات )  
و هر نوع از انواع ثلاثه مکاتبات متداوله شعاروشون مخصوصی دارد ، بر حسب اقتضای موضوع ،

### ( قسم سوم ، مکاتبات علمیه )

و او را اهل ادب و انشاء رسائل علمیه مینامند ، زیرا اصحاب مناہج ، و ارباب مسالك اینقسم به سلك استرسال سلوك نموده ، به مخاطبات بلیغه که بقدر اقتدار و قوت علمیه نویسنده صورت می‌بندد ، برای اشخاص مخاطبین خود ارسال میدارند ، و او عبارت است از مقالات متعدده در مطالب علمی ، یا مسائل دینی ،

### ( فن دوم از فنون انشاء ، فن مناظره )

باید دانست که مناظره انشاء سه شرط دارد ،

#### ( شرط اول )

منشی در اسلوب انشای خود و خصم ( حقیقی ، و یا خیالی ) (۱) را که در صفات و مناقب بایکدی بگری متضاد میباشد جمع می‌آورد که خواص و ماده امتیازات هر دو بذریعۀ مقابله بظهور می‌آید ، مثل ربیع یا خریف ، و صیف یا شتاء ، بریا بحر ، لیل یا نهار ، علم یا جهل ، و غیر آن ،

#### ( شرط دوم )

در اسلوب و رویه انشاء ، هر واحد خصمین بصورتی مقابله مینمایند که غرض و مقصود خود را نصرت و تائید ، و مزاعم مقارن و مقابل خود را خذلان و تردید ، و قدر خود را ترفیع ، و منزلت خصم را تخفیف نموده ، رغبات سامع و یا مطلع را از جانب خصم مصروف ، و بجانب خود مشغوف می‌سازد ،

#### ( شرط سوم )

منشی در تصویر مناظره ، معانی و مراجعات مناظره را بصورت خوبی سوخ ، و بسیاق محکم و مرغوبی ترتیب میدهد ، بحیثیتی که مصدر نشاط سامع و مطلع گردیده رغبات آنها را درغور و تحقیق و حل مشکلات آن تشبیه بنماید ،

### ( فن سوم ، فن امثال )

امثال جمع مثل بوده ، عبارت است از ترکیب و تالیفی که در ظاهر حقیقتی نداشته ، در باطن به حکمتها ، و فلسفه های گوناگونی متضمن میباشد .

(۱) مثل لیل و نهار ، سیف و قلم ، زمین و آسمان ، و غیر آن ، ( طرازنی )

( امثال بسه قسم ذیل منقسم است )

( اول ) .

امثال مفترضة ممکنه ، و آن عبارت ست از مثلثائی که در آن نطق و عمل را بسوی عاقلی نسبت داده میشود ، مانند بعض مثلثهای لغمان حکیم ، و سایر حکمایه .

( دوم ) .

امثال مخترعه مستحیله ، و آن عبارت است از مثلثائی که برزبانهای حیوانات و جادات تصویر یافته ، نطق و عمل را به آنها نسبت داده میشود ، مانند مثلثهای کلیله و دمنه .

( سوم ) .

امثال مختلطه ، و آن عبارتست از مثلثائی که نطق و عملی که در آن جاری بوده صورتی را بخود می بندد ، در بین ناطق و غیر ناطق دائر میباشد ،

( شروط امثال )

و باید دانست که امثال چهار شرط دارد ، که برای مخترع و منشی مراعات آن لازم میباشد ، ( شرط اول ) .

باید تصویر آن از هر نوع تمهید ( پیچیده گی ) خالی باشد ، تا مقصود و غرض مطلوب را بسوی ذهن سامع و مطالع رسانده بتواند .

( شرط دوم ) .

باید از تطویل و اسهاب آن اجتناب ورزد ، تا موجب ملالت ، وقت رغبت نگردد .

( شرط سوم ) .

بحیثیتی تصویر داده شود که به طلاوت عبارات و به شربی اسلوب حکیمانه خود ، به نفس سامع و مطالع بهجت آور بوده ، به سخن هنر امیز ، و به معانی مبتکره خود فکر را واز ، و عقل را در فهم صور مختلفه و حل مشکلات آن ضبط بنماید .

( شرط ۴ )

به صورت محتملی ابراز کرده شود ، تا به یکسو ضوع اختصاص و انحصار نداشته ، بالعکس بتواند که به اغراض متعدد ، و مقاصد مختلفی ماخذ بگردد .

و باید دانست که فوائد مثل بسیار است و نتایج آن بی شمار ، از آنجمله نزهت بال و ترویج خاطر و استقصای حکمت و فلسفه است .

۲ ) مثل بالنکل قدیم العهد بوده اسم اولین شخصی که به او تکلم نموده فن جلیل آنرا بهمنصه انشاء و کتبات گذاشته است از تاریخ ادب و انشاء معلوم نمی گردد .

۳ مثل چنانچه به نثر بوجود میاید ، به نظم نیز صورت پذیر است .

۴ اگرچه مثل بهیچ زبانی از السنه قدیمه ، و عصریه دنیا اختصاصی ندارد ، اما بهترین مظاهر نثر آن آیات قرآن کریم ، واحادیث نبوی ، و کلمات برجسته خلفای راشدین و غیر هم بوده ، از جنبه نظم ، اشعار جاهلی و اسلامی عرب درین فن حظ وافری دارد چون موضوع مشروع ما تفصیل و نقل آنرا در احاطه وضع خود مساعده نمیکند ، لذا از تطویل کلام ، و تجاوز از موضوع ( که آنهم ، خلاف اصول انشاء است ) احتفاظ مینماییم .

### فن چهارم ، فن اوصاف

اوصاف جمع وصف بوده ، عبارت است از بیان امر و یا شخصی بطور استیعاب احوال شئون ، و استقصای انواع نعمت آن بجهتی که او را در انظار تمثیل و تشخیص بخاید .

#### اصول اوصاف

۱ اصل اول . اوصاف سه اصل دارد .

۱ اصل اول .

باید وصف به موصوف خود حقیقی بوده ، او را از ما-سواى خود امتیاز بدهد .

۲ اصل ۲ .

دارای طلاوت و شیرینی ، و رونق شایانی بوده باشد .

۳ اصل ۳ .

در انشای وصف از حد حقیقت و اعتدال به حدود مبالغه و اسباب ( تطویل بی فائده ) تجاوز نموده بصورتی که مناسب حال و لایق مقام است اکتفا کرده شود .



### انواع وصف

انواع وصف بسیارست ، ولی اصلاً بدو قسم منقسم میگردد ، ۱ ( وصف اشیاء ، ۲ ) وصف اشخاص ، اما اشیائی که به وصف و تعریف استحقاق دارد ، امثال امکانه ، و حوادث ، و مناظر طبیعت است ، و اما وصف اشخاص ، پس به صورت تصور خواهد گرفت ، ۱ ( بوصف صورت ، ۲ ) بوصف طبیعت ( ۱ ) ، ۳ ( بوصف هر دو .

### فن پنجم فن مقامات

مقامات جمع مقامه بوده عبارت است از کتابت و انشائی که تالیف آن خوب و رشیق ، و ترکیب آن موزون و ابقی بوده به نکتته های متنوعه ادبیه اشتمال ، و به فصاحت مینوی ، و بلاغت معنوی تضییع داشته میباشد ، مدار مقامه دایره روایات لطیفه مختلفه نیست که بسوی بعضی را و برای مشهور اسناد ، و بروایع متعددیست که به یکی از ادبای معروف نسبت داده میشود . مقصود و غایه از انشای مقامه و اختیار صنعت بهره آن - جمع در الفاظ ، و غرر معانی و شواردلفت و نوادر سخن است ( چه منثور و چه منظوم ) علاوه بر ذکر فراموش بدیده - و رقائق ادبیه ، مثل رسائل مبتکره ، و خطا به های عبره ، و واعظ گریه آور ، و مضحکات مسرت بخش ، مشهور ترین نویسنده های عرب که درین فن سبقت شایان ، و شهرت لایق را در تاریخ ادبیات عربیه حائز گردیده اند ، علامه حریری ، ۲ و بدیع الزمان همدانی و علامه زعفرانی میباشد .

### فن ششم فن روایات

روایات جمع روایت است ، و آن عبارت است از نقل قول و یا فعلی که وقوع یافته و یا امکان وقوع و حدوث داشته باشد .

### خواص روایت

خواص روایت چهار است .

#### ۱ ( ایضاح .

و آن حاصل میگردد بتقدیم مقدمه برای مهوی ( سخن ، و خبر ) ، و به تنظیم توطئه برای آن ، بطوریکه ماخذ روایت را به عقل و فهم نزدیک میسازد ، و بطریق مراعات ترتیب

[ طرازی ]

( ۱ ) وصف فضائل نیز به وصف طبیعت داخلست .

( ۲ ) علامه حریری در سنه ۵۱۶ هـ ، و بدیع الزمان همدانی در سنه ۳۹۸ هـ وفات یافته اند .

طبیعی ، در باب ایراد ظروف مروی ، مادامی که راوی غرض مقبولی نداشته باشد که تجاوز و ترك این نظام را برایش تجویز بکند .

و بطور عدول و اجتناب از استطرادات در انشاء سخن و تصویر روایت ، زیرا کثرت استطرادات که موجب تطویل است عقل سامع و فکر مطالع را از سیاق روایت صرف ، و رونق آنرا ذایل میسازد .

۲ ) ایجاز .

و آن عبارت است از اجتناب فضله های سخن ، با انتخاب اخص ظروف و انسب آن برای افاده غایت بلی وقتی که مقتضای حال برای اطناب ( تطویل با فائده ) مقتضی گشت ، دران صورت تطویل سخن بطوریکه لازم دیده میشود ، جائز است .

۳ ) امکان .

و آن عبارت است از ترشیح روایت و تزیین آن برای قبول ذهن سامع و مطالع .

۴ ) تلطف .

و آن عبارت است از صورتی که نویسنده در انشای روایت بصنعت تنقل از حال بحال دیگر و تحول از وضعی به وضعی ، جلب قلوب نموده بجامع عقول مطالعین و سامعین را بجناب روایت و غایت آن ترغیب می نماید ، زیرا نفس انسانی طبعاً و خلقتاً بر محبت تنقل مجبول ، و برایشار تحول مطبوع است .

۱ ) ایجازی روایت

و باید دانست که روایت سه جزو دارد .

۱ ) صدر .

و آن عبارت است از تصویر توطئه برای مروی بچینی که سامع و مطالع میتواند که بر اسماء و طبایع اشخاصی که در ضمن روایت میآید ، و همچنان بر موقع مروی و سوابق عمل بیشتر وقوف و اطلاعی حاصل کند ، تا در فهم مضامین مروی و در یافت غایت آن سهولتی واقع گردد .



۲ ( عقده .

و آن عبارت ست از جزوی که روایت بر محور آن دایر میگردد ، و او وسیعترین مجال کتابت و موضع انشاء است که در عقبات دقیقه آن اشخاص متعددی مقابلت ، و احوال انشاء اشتباك و لواعیج شوق در تقس مثنوی ( برای ادراك عاقبت و حقیقت ) اضطرار خواهد نمود .

۳ ( ختام .

و آن عبارت از جز و اخیری است از انشای روایت .

و شعار آن همین است ، که با وجود

آنکه فیجائی میباشد ، بمقابل بطور

ارتبات محکم ، مرتبط و بهمهراة آخرین روایت وافی بوده مصدر خواهش تنوس و ارتباح قلوب میگردد .



ع ۱ ج ۱ ، انشان والا حضرت سردار شاه محمود خان غازی سپه سالار و وزیر حرب

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
فصل هفتم فن تاریخ

تعریف تاریخ در نزد معاصرین واضح است ، اختصار آن همین است که عبارت است از معرفت اخبار گذشته گان ، ووقوف بر احوال ، زندگانی ، سیاست ، تمدن و اعتقاد ، و ادب و لغت پیشینیان ، و انشای تاریخ عبارت است از تخریر آن بروفق اصول و آداب ، انشاء که در شماره های سابق تقریر کرده شد ، این بود ، تفصیل فنون انشاء و ایضاح کوائف مخصوصه آن .  
( باقی دارد )

